



نام و نام خانوادگی:

زمان برگزاری:

نام آزمون: فارسی پایه ششم دبستان

تاریخ آزمون:

۱ ضرب المثل «از تو حرکت، از خدا برکت» را در یک بند توضیح دهید.

۲ قسمت‌های جدا شده‌ی ضرب المثل را به هم وصل کنید.

کار نیکو کردن که ایزد در بیابانت دهد باز.

تو نیکی می‌کن و در دجله انداز کفر نعمت، از کفت بیرون کند.

شکر نعمت، نعمت افزون کند از پر کردن است.

۳ عبارت «خدایا تو بی نظیری!» جمله‌ای است.

۴ در بیت زیر کدام آرایه‌ی ادبی، به کار رفته است؟

بزد تیغ و بنداخت از بر، سرش فرو ریخت چون رود، خون از برش،

الف. کنایه ب. تضاد پ. مبالغه ت. منازره

۵ مصراع «باز به گردون رسید، ناله‌ی هر مرغ زار» را با توجه به ترتیب اجزای جمله، بازنویسی کنید و سپس موارد زیر را مشخص کنید.

الف. بازنویسی: ب. نهاد: پ. گزاره: ت. فعل:

۶ متن زیر را با یکی از کلمات (از، به، در، با) کامل کنید.

چلچله‌ی خوش آواز آسمان به پرواز درآمد ابر سلام کرد کتاب خورشید گذشت و او لیخند زد

..... باد هم نوا شد زمزمه‌ی آب گوش فرا داد و چهره‌ی زیبای خود را آن مشاهده کرد. چلچله می‌دانست که چگونه

..... این همه زیبایی لذت ببرد.

۷ از بین واژه‌های زیر آن‌هایی را که با هم ارتباط دارند، در یک گروه قرار دهید.

فکر، معلومات، افکار، تعلیم، تفکر، معلّمان، تعلیمات، متفکران

۸ نوع جمله‌های زیر را مشخص کنید.

نشان نگارشی نوع جمله	جمله
	زیر درخت را نگاه کن
	برای سربلندی میهن عزیزمان چه کارهایی باید انجام دهیم
	امروز بهترین دوستم جان مرا نجات داد
	خدا تو معرکه‌ای

۹ با توجه به متن درس، جاهای خالی را با واژه‌های مناسب کامل کنید.

- اندیشه کردن در کار و موجب روشنایی دل می‌گردد.

- باد بهاری از طرف وزیدن گرفت.

- هر برگ‌ی از درختان نشانه‌ای از کردگار است.

۱۰ در بیت «گه درختش نام شد، گاه آفتاب / گاه بحرش نام شد، گاهی سحاب»

(الف) چند «تشبیه» دیده می‌شود؟ (ب) مشبه کدام واژه است؟

۱۱ در متن زیر، چهار غلط املائی وجود دارد. آن‌ها را بیابید و اصلاح کنید.

«استعداد خدادادی کم نظیر و فکر خلاق بوعلی، بهمنیار را دچار شگفتی کرده بود. او گفت: شما سرآمد همه‌ی مردم هستید. اما وقتی دید استاد در آوردن

آب اسرار می‌کند، بلاخره طاقت نیاورد و گفت: نمی‌توانم بیرون بروم.»

۱۲ منظور از بخش مشخص شده چه کسی است؟

«اگر آن سبز قامت رعنا بیاید»



۱۳) نهاد جمله‌ی «فردای آن روز، با احمد به ایستگاه اتوبوس رفتم.» کدام کلمه است؟

۱۴) با توجه به متن درس جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید.

الف) هر گروه نتیجه‌ی گفت و گوها و خود را بیان کرده بودند.
ب) معلم هم به فکر فرو رفته بود. از این همه تفاوت نگاه بچه‌ها شگفت زده شده بود.

۱۵) سه حرف اصلی کلمات «مقصود - معلوم - مطبوع» را بنویسید.

۱۶) شاعر شعر «ای مادر عزیز» چه کسی است؟

الف) ابوالقاسم حالت ب) محمدبن علی ظهیری

۱۷) کدام گروه با هم هم‌خانواده هستند؟

الف) حکمت، محکوم ب) عزم، عظیم ج) تعهد، اتحاد

۱۸) کدام کلمه نمی‌تواند «هم‌خانواده» واژه‌ی «شهید» باشد؟

الف) مشهد ب) مشهور ج) مشاوره

۱۹) مشخص کنید عبارت زیر چند جمله دارد؟

«ناگهان شخصی که سیلی خورده بود، لغزید و در برکه افتاد. دوستش به کمکش شتافت و او را نجات داد.»

۲۰) نام نویسندگان را به نام آثارشان وصل کنید. (یک مورد اضافی است.)

گلستان	ابوعلی بلعمی
تاریخ بلعمی	شیخ محمود شبستری
گلشن راز	ابوالقاسم حالت
	سعدی

۲۱) معنی ابیات زیر را بنویسید.

الف) خوشا آنان که الله یارشان بی بحمد و قل هو الله کارشان بی

ب) خوشا آنان که دایم در نمازند بهشت جاودان بازارشان بی

پ) خداوندا به فریاد دلم رس کس بی کس تویی من مانده بی کس

ت) همه گویند طاهر کس نداره خدا یار منه چه حاجت کس

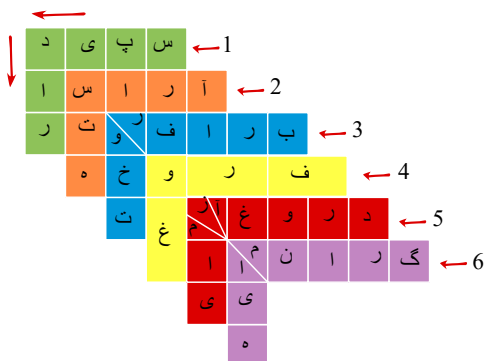
ث) ای نام تو روییده به گلدان لبم در مرحمت تو غوطه‌ور روز و شبم

ج) در خاک طلب بذر دعا کاشته‌ام باران اجابت تو را می‌طلبم

چ) اگر آن سبز قامت رو نماید در باغ خدا را می‌گشاید

ح) تنم را فرش کردم تا بتازد دلم را نذر کردم تا بیاید

۲۲) برای جدول زیر، سوالات مناسب طرح کنید.



۲۳) واژه‌های متضاد را در ابیات و عبارتهای زیر بیابید.

ال سخن در میان دو دشمن، چنان گوی که اگر دوست گردند، شرم‌زده نشوی. (سعدی)

ب) موج ز خود رفته‌ای، تیز خرامید و گفت:

هستم اگر می‌روم، گر نروم نیستم. (اقبال لاهوری)

پ) دوستان و دشمنان را می‌شناسم من

زندگی را دوست دارم، مرگ را دشمن. (اخوان ثالث)

۲۴) ضرب‌المثل «کیوتر با کیوتر باز با باز، کند هم جنس با هم جنس پرواز» را توضیح دهید.

۲۵) در جدول زیر، واژه‌های معنی‌دار از درس آمده است، آنها را پیدا کنید و بنویسید.

ر	ی	ص	ع	م	ظ	ن	س	ذ
ا	ن	ح	م	خ	ا	ج	ت	ل
غ	ت	ف	ص	و	ر	ا	ث	ط
ب	ع	ز	ق	ا	ل	ی	خ	غ
ی	ب	و	ه	ن	د	ق	گ	پ
م	ر	ا	ن	ی	ط	ا	ل	س
ش	ت	ل	ا	د	ت	ع	ا	ک

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

۲۶) در هر جمله، زیر شکل صحیح واژه‌های داخل کمانک، خط بکشید.

الف) باید دانست که جماعت، (لایق - لایق) چه نوع سخن است.

ب) آگاه شدن از (اهوال - احوال) گذشتگان از فواید قصه‌خوانی است.

پ) از آداب حکایت‌گویی این است که سخنان محال و (گذاف - گزاف) نگوید.

ت) در نظم خوانی، چنان نکنند که (مستمع - مصتمع) ملول گردد.

۲۷) از نقطه شروع، پنج تا پنج تا خانه‌ها را بشمارید و حروف به‌دست آمده را یادداشت کنید. با کنار هم قرار دادن حروف، یک جمله‌ی زیبا به دست می‌آید.



۲۸) با استفاده از جان‌بخشی، برای هر یک از کلمه‌های زیر یک جمله بنویسید.

زبان سبز: ←

باغچه: ←

چمنزار: ←

۲۹) متن زیر را بخوانید و در جاهای خالی کلمات مناسب بنویسید.

قناری آواز نمی‌خواند. گل چشمانش را باز نمی‌کند و ابر از حرکت است. گویی همه منتظر فصل هستند. فصل دوباره زنده شدن طبیعت. فصل گل‌های بوته‌های و آسمان که خورشید گرم و به آن می‌تابد. پشت پنجره منتظر نشست‌ام. در انتظار فصلی که عشق و به زندگی را همراه می‌آورد.

۳۰ مانند نمونه، با واژه‌های داده شده، چهار واژه‌ی جدید بسازید.

✓ دل + شاد ← دلشاد

دل	پنجه	یک	بها
گران	آفتاب	سوخته	قوی
↓	↓	↓	↓
.....

۳۱ جدول زیر را کامل کنید.

واژه	+	«نامه»	=	واژه‌ی جدید
.....	+	=
.....	+	=
.....	+	=
.....	+	=	ماه

۳۲ با توجه به متن درس، جدول زیر را کامل کنید.

واژه‌های بدون نقطه	واژه‌های یک نقطه‌ای	واژه‌های دو نقطه‌ای	واژه‌های سه نقطه‌ای
.....

۳۳ در هر ستون، حرف نخست کلمه‌ها را بردارید؛ از راست به چپ در کنار هم قرار دهید تا یک واژه از متن درس به دست آید.

فروش	حاشیه	میهن	وطن
دوران	فرسوده	دلیرانه	سرعت
ادبیات	ظلم	انتقال	عملیات
کهن	فوراً	تلقظ
اتفاق	عقب
رکاب
↓	↓	↓	↓
.....

۳۴ کلمه‌های زیر را به چیزهای مناسب، تشبیه کنید و در جمله‌ای به کار ببرید.

.....	مادر مثل.....
.....	گل مانند.....
.....	کوه چون.....
.....	ایران همانند.....

۳۵ جمله‌های زیر را با استفاده از واژه‌های درس، کامل کنید.

ای دوست دارم؛ چون مانند سرودی از اعماق وجود شنیده می‌شوی. دوستت دارم؛ زیرا مانند کوه در برابر استواری. قهرمان همچو خوش‌ترین یادها در دل‌ها، جاودانه خواهد بود. نم‌نم باران بهاری و بوی گل‌ها، یادآور اشعار زیبای است. دوستت دارم و با نگهبان بلندی‌های خاک پاکت هستم.

۳۶ جمله‌های نوشته شده را در جورچین زیر شماره‌گذاری کنید و داستان آن را بخوانید. عنوان داستان: نگهبان کاروان

نگهبان	بامداد صاحبان مال دیدند که	نگهبان
کاروانی	شتران و بار آنها ناپدید شده است.	کاروانی
گفت:	شب	گفت:
» تعداد	به خواب رفت.	» تعداد
آنها زیاد بود و من تنها		آنها زیاد بود و من تنها
بودم»	به پاسبان پر خاش کردند که چه پیش آمده است؟	بودم»
گفت: » دزدان نفاقدار،	گفتند:	گفت: » دزدان نفاقدار،
کاروان را غارت کردند و	اگر نمی توانستی با آنها مبارزه کنی،	کاروان را غارت کردند و
باید فریاد و میگردی	مال مردم را به یغما بردند».	باید فریاد و میگردی
گفتند: «مگر	تا بیدار شویم».	گفتند: «مگر
تو سنگ بودی؟		تو سنگ بودی؟
گفت در:	چرا جلوی آنها	گفت در:
آن هنگام	را نگرفتی؟»	آن هنگام
شمشیر	من نیز	شمشیر
کشیدند و گفتند اگر فریاد و	از ترس	کشیدند و گفتند اگر فریاد و
هیاهو کنی تو را میکشیم.	خاموش	هیاهو کنی تو را میکشیم.
	گشتم،	
	اما اکنون هر قدر	
	که	
	بخواهید	
	برایتان	
	فریاد میکشیم!»	

۳۷ برداشت خود را از ضرب‌المثل «نوش دارو بعد از مرگ سهراب» در یک بند بنویسید.

۳۸ بیت زیر را به نثر ساده بازنویسی کنید.

خروشید و جوشید و برکنند خاک ز سُمّش زمین شد همه، چاک چاک

۳۹ الف) یک نمونه مبالغه که در صحبت‌هایتان به کار می‌برید، بنویسید.

■ مثال: صد دفعه گفتم ← در اصل گوینده صد بار نگفته، بلکه چند بار تکرار کرده است.

.....
.....

ب) معنای دور و معنای نزدیک کنایه‌ی زیر را بنویسید.

معنای دور.....	} آب در هاون کوبیدن
معنای نزدیک.....	

۴۰ عبارت زیر را با جمله‌ای کوتاه‌تر، بیان کنید.

الف) من هم مانند شما موجودی زنده هستم و زندگی من، فراز و فرودها و داستانی طولانی دارد.

ب) سحر گاهان خورشید از پشت افق، یعنی آنجا که دریا به آسمان می‌پیوندد، پدیدار می‌شود و چهره‌ی خود را به جهانیان نشان می‌دهد.

۴۱ الف) جاهای خالی را با واژه‌های مناسب کامل کنید.

.....	←	+ان	خزنده
پرندگان	←	
نویسندگان	←	
.....	←		وابسته

ب) چند واژه به این شیوه نوشته می‌شوند، بنویسید.

۴۲) برای هریک از واژه‌های زیر، دو هم‌خانواده بنویسید.

علم:

عزت:

۴۳) در متن زیر، کلمات مشخص شده را با حروف مناسب کامل کنید.

تلاش و کوشش شما فرزند مهربان (باع.....) سربلند و (عزّ.....) من می‌شود. بزرگی و (ع.....) من و شما به این است که با هم، کنار هم و نگهبان هم باشیم. تغییر و (ت..... و ل)، ویژگی هر پدیده‌ی زنده‌ای است. چهره‌ی نوشتاری و خطّی من برای ایجاد دوستی و (..... میمیت) میان من و شما کمی بیشتر (ا..... میت) دارد.

۴۴) مفهوم ضرب‌المثل «دشمن دانا بلندت می‌کنم / بر زمینت می‌زند نادان دوست» را در یک بند توضیح دهید.

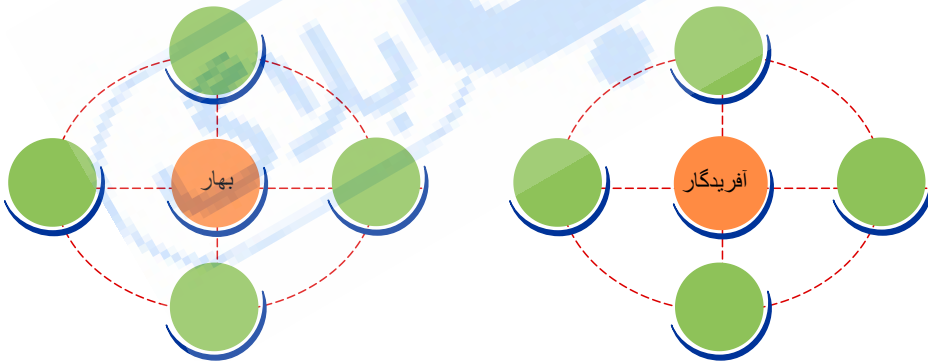
۴۵) با توجه به متن درس، جمله‌هایی را که واژه‌های «قصد، آزرده خاطر، زهرآلود» در آنها به کار رفته است، بنویسید.

۴۶) مانند نمونه، هم‌خانواده هریک از واژه‌ها را بنویسید.

۴۷) با کلمات زیر، متنی مناسب در چند سطر بنویسید.

بهار، سوسن، نرگس، لاله‌زار، بید، بلبل

۴۸) با توجه به متن درس، کلمه‌های مرتبط با هر واژه را بنویسید.



۴۹) مفهوم این جمله به کدام گزینه نزدیک‌تر است؟

«راست گفتن پیشه دارید که روی را روشن دارد.»

(الف) به گیتی به از راستی پیشه نیست.

(ب) چنان دان که او دشمن جان توست.

(ج) ستمکاره خوانیش و بی‌فروغ.

۵۰) نوع «را» را مشخص کنید.

(الف) برادران را وصیت کرد ←

(ب) بدکننده را زندگانی کوتاه باشد ←

(ج) روی را روشن دارد. ←

۵۱) معنی درست هر واژه را انتخاب کنید.

الف) زینهار ← آگاه باش شاید

ب) دروغ زن ← دروغ آزمای فریبکار

ج) عزّ و جل ← عزیز و بزرگوار صاحب شکوه

د) ستوده ← خوب و نیکو پسندیده

۵۲) گزینه‌ی درست را انتخاب کنید.

الف) فتوت‌نامه‌ی سلطانی از است. (واعظ کاشفی / ابوالفضل بیهقی)

ب) یکی از آداب حکایت‌گویان این است که (به آهنگ خوانند. / چالاک به سخن درآیند.)

۵۳) برای واژگان زیر، دو هم‌خانواده بنویسید، سپس مفرد هر یک را بنویسید.

الف) آداب: (ب) سلاطین:

ج) عجایب: (د) فواید:

ه) حُضار: (و) احوال:

۵۴) «مستمع» یعنی

الف) نیازمند ب) گوینده ج) شنونده

۵۵) معنی واژگان مشخص شده را بنویسید.

الف) چون محنت گذشتگان شنود، او را تسلی باشد. ب) سخنان محال و گزارف نکوید.

ج) چون زوال ملک سلاطین شنود. د) چنان نکند که مستمع ملول گردد.

۵۶) در بیت «آسان گذرد گر شب و روز و مه و سالت / روز عمل و مزد بود کار تو دشوار»

الف) دو نمونه تضاد مشخص کنید.

ب) یک واژه‌ی مخفف (کوتاه شده) بیابید.

ج) آرایه‌ی تناسب (مراعات نظیر) بین کدام واژگان است؟

۵۷) در مصراع «روز عمل و مزد بود کار تو دشوار» منظور از «روز عمل و مزد» چه روزی است؟ چه آرایه‌ای در آن به کار رفته است؟

۵۸) معنی واژگان مشخص شده را بنویسید.

الف) آوخ که شدم هیزم و آتشگر گیتی ب) گفتش تبر آهسته که جرم تو همین بس

ج) اندام مرا سوخت چنین آتش ادبار د) شد توده در آن باغ سحر هیمه بسیار

۵۹) در کدام گزینه «تشخیص» وجود دارد؟

الف) در خاک طلب، بذر دعا کاشته‌ام.

ب) مایه‌ی آزادی‌ام تو، ای وطن

ج) گه درختش نام شد، گاه آفتاب

۶۰) مناظره چیست؟

۶۱) در کدام یک از مصراع‌های زیر آرایه‌ی «شخصیت‌بخشی» دیده می‌شود؟

الف) برگ درختان سبز در نظر هوشیار

ب) کم گوی و گزیده گوی چون دُر

ج) دست در دامن مولا زد در

د) شهید چون چراغی است

۶۲) چرا شاعر غنچه را دل گرفته معرفی کرده است؟

۶۳) مناظره یعنی و و

۶۴) معنی کنایات زیر را بنویسید.

الف) غنچه با دل گرفته گفت.

ب) گل یکی دو پیرهن بیشتر ز غنچه پاره کرده است.

ه) مسجد کوفه هنوزش مدهوش

و) ای شکم خیره به نانی بساز

ز) درد عشقی کشیده‌ام که می‌پرس

۶۵) معنی ابیات زیر را بنویسید.

الف) به دست آهن تفته کردن خمیر
ب) عمر گران مایه در این صرف شد
ج) ای شکم خیره به نانی بساز

۶۶) قالب شعر «عمر گران مایه» است.

۶۷) به جای افعال عبارت زیر فعل‌های مناسب دیگر بنویسید.

الف) دو برادر یکی خدمت سلطان کردی.

ب) دیگری به زور بازو نان خوردی.

ج) تا چه خورم صیف.

۶۸) معنی واژگان مشخص شده را بنویسید.

الف) تا چه خورم صیف و چه پوشم شتا ب) به که کمر زرین بستن

ج) باری توانگر گفت درویش را د) تا از مذلت خدمت، رهایی یابی

۶۹) معنی کلمات مشخص شده را بنویسید.

الف) تا از مشقت کار کردن برهی ب) تا چه خورم صیف و چه پوشم شتا

ج) به دست آهن تفته کردن خمیر د) ای شکم خیره به نانی بساز

۷۰) تخلص محمد حسین بهجت تبریزی است.

۷۱) باتوجه به ابیات زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

۱- «ناشناسی که به تاریکی شب / می برد شام یتیمان عرب»

۲- «دست در دامن مولا زد در / که علی بگذر و از ما مگذر،

۳- «شبروان مست ولای تو علی / جان عالم به فدای تو علی،

نهاد بیت اول را پیدا کنید.

اجزای جمله را در بیت اول مرتب کنید.

در بیت دوم نهاد مصراع اول چیست؟

بیت دوم دارای چند جمله است؟

آرایه‌ی تضاد و تشخیص را در بیت دوم مشخص نمایید.

بیت سوم چند جمله دارد؟

فعل‌های بیت سوم را بنویسید.

به جای واژه‌ی «شبروان»، یک واژه‌ی مناسب قرار دهید.

۸۰) مشخص کنید عبارت زیر چند جمله دارد؟

«بدان، ای پسر که مردمان تا زنده‌اند از دوستان ناگزیرند که مرد اگر بی برادر باشد به که بی دوست.»

۸۱) معنی هر واژه را به واژه‌ی مورد نظر وصل نمایید. (یک معنی اضافی است.)

دوستی الفت

همیشگی ولا

حیران مدهوش

انس

۸۲) آرایه‌ی مشخص شده در کدام مصراع نادرست است؟

الف) دست در دامن مولا زد در ← کنایه

ب) شبروان مست ولای تو علی ← تشخیص

ج) کلماتی چون دُر آویزه‌ی گوش ← تشبیه

۸۳) معنی ابیات زیر را بنویسید.

- الف) عشق بازی که هم آغوش خطر
ب) شب ز اسرار علی آگاه است
ج) شبروان مست ولای تو علی
د) کلماتی چون دُر آویزه‌ی گوش
- خفت در خوابگه پیغمبر
دل شب محرم سرّ الله است
جان عالم به فدای تو علی
مسجد کوفه هنوزش مدهوش

۸۴) با توجه به عبارات زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«مشاورت کردن در کارها، از قوی رای‌ی مردم باشد و از تمام عقلی و پیش‌بینی»

الف) نهاد را پیدا کنید.

ب) جمله را مرتب کنید.

ج) عبارت بالا چند جمله دارد؟

د) برای واژه‌ی مشخص شده «دو هم‌خانواده» بنویسید.

ه) واژگان مترادف را کنار هم بنویسید.

۸۵) آثار زیر را به نویسندگان و شاعران، درست وصل کنید. (یک گزینه اضافه است)

- قابوس‌نامه شهریار
شیر خدا عنصر المعالی کیکاووس
سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک توسی
قیصر امین‌پور

۸۶) معنی کنایات زیر همه یکسان است به جز گزینه‌ی
الف) سرد و گرم چشیده ب) جهان‌دیده ج) سفر کرده

۸۷) معنی واژگان مشخص شده را بنویسید.

الف) خدای تعالی او را می‌فرماید ب) همه‌ی جهانیان متفق‌اند

ج) آن دم صبح قیامت تأثیر د) شبروان مست ولای تو علی

۸۸) معنی واژگان مشخص شده را بنویسید.

الف) جوشش چشمه‌ی عشق ازلی ب) تدبیر با دانایان باید کرد

ج) یکی هرگز سفر نکرده باشد و ولایت‌ها ندیده د) الفتی داشته با این دل شب

۸۹) شعری که هر دو مصراع هر بیت، هم قافیه هستند نام دارد.

۹۰) در بیت «گه درختش نام شد، گاه آفتاب / گاه بحرش نام شد، گاهی سحاب»

الف) نهاد را مشخص کنید. ب) تعداد جملات را مشخص کنید. ج) چند تشبیه وجود دارد.

۹۱) معنی کنید.

آن یکی کش صد هزار آثار خاست کمترین آثار او، عمر بقاست

۹۲) معنی کنید.

گه درختش نام شد، گاه آفتاب گاه بحرش نام شد، گاهی سحاب

۹۳) معنی کنید.

تو به صورت رفته‌ای، ای بی‌خبر زان ز شاخ معنی‌ای، بی‌بار و بر

۹۴) معنی کنید.

شیخ خندید و بگفتش ای سلیم این درخت علم باشد ای علیم

۹۵) اگر مصراع «ای نام تو روئیده به گلدان لبم» مصراع اول یک شعر با دو بیت باشد، قالب آن شعر است.

۹۶) تعداد جمله در شعر زیر را مشخص کنید. سپس «منادا» و نهادها را مشخص کنید.

«دلا، دیدی آن عاشقان را؟ / جهانی، رهایی در آوازشان بود / در بند حتی / قفس، شرمگین از شکوفایی شوق پروازشان بود!»

۹۷) با توجه به عبارت زیر پاسخ دهید.

«در جنوب تهران به دنیا آمد. جدی و ساعی بود. در رشته‌ی مهندسی پالایش نفت قبول شد. در کنار تحصیل علم، دانشجویان را با حقایق اسلام آشنا می‌کرد.»

او با تحمّل انواع شکنجه به دفاع از اسلام و گسترش مطالعات خود پرداخت و همراه با ملت به پا خواسته ایران به صحنه‌ی مبارزه قدم نهاد. مردم ایران از اُسرا استقبال کردند و آن‌ها را به پاس ایثار و استقامتشان «آزادگان» نامیدند.

الف) نهاد جمله‌ی مشخص شده را بنویسید.

ب) در جمله‌ی چهارم مفعول را مشخص کنید.

ج) مفرد کلمات مشخص شده را بنویسید.

د) معنی واژه‌های «ایثار - ساعی» را بنویسید.

ه) برای واژه‌های «دفاع - اسلام - استقامت - تحمّل - تحصیل» دو هم خانواده بنویسید.

و) یک غلط املائی بیابید و درست آن را بنویسید.

۹۸) کدام نشانه‌ی نگارشی برای توضیح دادن و معنی کردن کلمات به کار می‌رود؟

۹۹) در عبارت زیر، نشانه‌های نگارشی مناسب قرار دهید.

هوشنگ مرادی کرمانی در روستای سیرج کرمان به دنیا آمد او تحصیلاتش را در تهران ادامه داد اولین داستان او در مطبوعات منتشر شد آثار او عبارت‌اند از قصه‌های مجید داستان خمره و آب‌انبار

۱۰۰) سه کتاب از امام محمد غزالی بنویسید.

۱۰۱) هفت خان را به ترتیب بنویسید.

۱۰۲) در کدام یک از خان‌ها رخس به رستم کمک می‌کند؟

الف) خان اول و دوم (ب) خان دوم و سوم (ج) خان اول و سوم

۱۰۳) در کدام خان هیچ جنگی صورت نمی‌گیرد؟

الف) خان اول (ب) خان دوم (ج) خان سوم

۱۰۴) املائی درست هر واژه را انتخاب کنید.

الف) پهلوان برای نبرد با دشمن مازندران می‌شود. (راهیه، راهی)

ب) در چهارم با جادوگری روبه‌رو می‌شود. (خوان، خان)

ج) به کمک بر ارژنگ دیو چیره می‌شود. (اولاد، اُلاد)

۱۰۵) معنی واژگان مشخص شده را بنویسید.

الف) رستم بر نیروهای اهریمنی پیروز می‌شود.

ب) بدین‌سان خان دوم را به فرجام می‌برد.

ث) به کمک رخس با اژدها نبردی سهمگین می‌کند.

ج) برای چیرگی بر او از خدا یاری می‌خواهد.

خ) سر و گوش بگرفت و یالش دلیر

ذ) تو دادی مرا گردی و دستگاه

ز) همه‌ی بچه‌ها مدرسه را پر کرده بود

ش) با دستپاچگی چیزهایی به ترکی گفت.

۱۰۶) دو اثر از «سعدی» بنویسید.

۱۰۷) در میان واژگان زیر، واژه‌های جمع و نشانه‌های جمع را مشخص کنید.

« معلمان - درس‌ها - ستارگان - تظاهرات - میدان - زبان - اعضا - پلکان - نگهبان - مومنون - دوستان - آشنایان - خاطرات - دانشجویان »

۱۰۸) جمع کدام واژه با «ان» با سایر واژه‌ها فرق دارد؟

الف) پرنده (ب) فرمانده (ج) بیگانه

۱۰۹) در گروه کلمات زیر هر یک از واژگان جمع و مفرد را مشخص کنید.

« یاران - درختان - آسمان - کلاس‌ها - پهلوان - اژدها - کتاب‌ها - دانشمندان - باران - نشانه‌ها »

۱۱۰ خانه‌ی ماست و سند شناخت ما در هر جا است.

۱۱۱ پنج واژه با دو شکل نوشتاری بنویسید که هر دو شکل آن از نظر املايي صحيح باشد.

مثال: خوشحال - خوش حال

۱۱۲ چهره‌های مختلف زبان را نام ببرید و توضیح دهید.

۱۱۳ در هر بخش سه غلط املايي بیايد و شکل درست آن را بنویسید.

الف) هر ایرانی با نغمه‌های مهربانی من پرورش می‌یابد و با تلاش و کوشش خود باث سربلندی و اعتبار و عزت من می‌شود. (ب) اکنون بگزارید خودم را به شما معرفی کنم. من در طول تاریخ گرفتار سلیغه‌ها و تغییرات و چندگانه‌گی‌ها شده‌ام.

۱۱۴ در کدام گروه، معنی واژه‌ی مشخص شده، متفاوت نیست؟

الف) در پارک بچه‌ها با هم بازی می‌کردند. شاه بازی داشت که آن را به دست خود تربیت کرده بود.

ب) در جنگ تحمیلی، زخمی کاری برداشت. دوست من بسیار پر تلاش و کاری است.

ج) خداوند به ما رزق و روزی فراوان می‌دهد. روزی که باران می‌بارید به دیدنش رفتم.

د) آسمان آبی و هوای پاک حق همه‌ی ماست. از چشمه آبی زلال فرو می‌ریخت.

ه) برای پیشرفت و آبادی ایران تلاش می‌کنیم. در راه به آبادی سرسزی رسیدیم.

و) برای هر مشکلی، راهی می‌توان یافت. شاه به راهی رسید که انتهایش جنگل بود.

۱۱۵ دو واژه‌ی سه هجایی بنویسید.

۱۱۶ دو واژه‌ی دو هجایی بنویسید.

۱۱۷ دو واژه‌ی یک هجایی بنویسید.

۱۱۸ تعداد هجای کدام واژه با بقیه متفاوت است؟

الف) سپاس (ب) پشیمان (ج) مخلوط

۱۱۹ با توجه به شکل‌های مختلف حرف (س)، شکل نوشتاری (حرف جا افتاده در) کدام واژه با بقیه متفاوت است؟

الف) حرا (ب) سرا_یمه (ج) ق_ه

۱۲۰ معنی واژگان مشخص شده را بنویسید.

الف) کمند در گردن حیوانات می‌انداخت.

ج) ملک جامی که در ترکش داشت، بیرون آورد

ه) رکاب دار شاه رسید و باز کشته را دید.

ز) کم گفتن هر سخن صواب است.

ط) لاف از سخن چو دُر توان زد.

۱۲۱ نویسنده‌ی کتاب «سندباد نامه» چه کسی است؟

۱۲۲ در جملات و ابیات زیر نهاد و فعل را مشخص کنید.

الف) یکی آن‌که اندوخت و نخورد و دیگر آن‌که آموخت و نکرد.

ب) علم چندان که بیشتر خوانی چون عمل در تو نیست نادانی

ج) آن تهی مغز را چه علم و خبر که بر او هیزم است یا دفتر

۱۲۳ برای هر یک از واژگان زیر دو هم‌خانواده بنویسید.

الف) شخصیت: (ب) معلّم:

ج) تفکر: (د) خالق:

۱۲۴ در مصراع «می‌ریختم تمام جهان را به پای تو»، منظور از «تو» چه کسی است؟

۱۲۵ جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید.

الف) همپایه‌ی محبت و مهر و تو.

ب) مهرت از سینه‌ام که هست.

۱۲۶ در هر بخش دو غلط املایی وجود دارد. شکل درست آن‌ها را بنویسید.

الف) معلّم از جای برخواست و گفت: آلی بود تا اینجا بسیار جالب بود.

ب) پیرزن گفت: در هر حال مواصب خودت باش و به عقل و هوش مقرور نباش.

۱۲۷ معنی واژگان مشخص شده چیست؟

الف) این خانه خانه‌ی تو و این دل سرای تو (ب) به هوای دانه و به طمع خوراک به دام می‌افتند.

۱۲۸ پنجره‌های شناخت خداوند کدام‌اند؟

۱۲۹ معنی واژگان مشخص شده را بنویسید.

الف) لازم است درنگ کنید.

ب) هر کس خود بینی را پیشه سازد، به شناخت خالق نمی‌رسد.

۱۳۰ با واژگان « بهاری - موزون » یک عبارت با جملات عاطفی و خبری بنویسید.

۱۳۱ گزینه‌ی درست را انتخاب کنید.

الف) برو از او چشم دگر جوی (بحر - بهر)

ب) به نزد آن‌که جانش در است. (تجلّی - تجلا)

ج) دانش زبانی

۱۳۲ معنی ابیات زیر را بنویسید.

الف

به نام آن که جان را فکرت آموخت

ب

چراغ دل به نور جان بر افروخت

ز فضلش هر دو عالم گشت روشن

پ

ز فیضش خاک عالم گشت گلشن

جهان، جمله، فروغ نور حق دان

ت

حق اندر وی ز پیدایی است پنهان

خرد را نیست تاب نور آن روی

ث

برو از بهر او چشم دگر جوی

در او هر چه بگفتند از کم و بیش

۱۳۳ معنی ابیات زیر را بنویسید.

الف

به نزد آن‌که جانش در تجلّی است

ب

همه عالم، کتاب حق تعالی است

باد بهاری وزید از طرف مرغزار

پ

باز به گردون رسید ناله‌ی هر مرغ زار

خیز و غنیمت شمار جنبش باد ربیع

ت

ناله‌ی موزون مرغ، بوی خوش لاله‌زار

هر گل و برگی که هست یاد خدا می‌کند

ث

بلبل و قمری چه خواند؟ یاد خداوندگار

برگ درختان سبز در نظر هوشیار

۱۳۴ صحیح یا غلط بودن جملات زیر را با (ص) و (غ) نشان دهید.

الف) درستی و نادرستی عبارت‌های زیر را مشخص کنید.

ما انسان‌ها همه در نقطه‌ی آغاز آفرینش، مانند هم هستیم.

ب زمانی می توانیم خالق خود را خوب بشناسیم که فقط به دین اسلام پایبند باشیم.

پ ما با شناخت خالق به شناخت خلق و شناخت خود می رسیم.

ت ارزش هر چیز به اندازه‌ی نقش و عملکرد آن مفید است.

۱۳۵ صحیح یا غلط بودن جملات زیر را مشخص کنید.

الف درستی و نادرستی عبارت‌های زیر را مشخص کنید.

رستم در خان چهارم با جادوگری روبه‌رو می‌شود. صحیح غلط

ب از هفت خان گذشتن کنایه از نبرد با دشمنان است. صحیح غلط

پ رستم در خان ششم اولاد را از پا درمی‌آورد. صحیح غلط

ت کیکاووس پادشاه ایران در چنگ دیوان بود. صحیح غلط

۱۳۶ معنی کنید.

الف

ما که اطفال این دبستانیم همه از خاک پاک ایرانیم

ب

همه باهم برادر وطنیم مهربان همچو جسم با جانیم

پ

اشرف و انجب تمام ملل یادگار قدیم دورانیم

ت

وطن ما به جای مادر ماست مادر خویش را نگهبانیم

ث

شکر داریم کز طفولیت درس حب‌الوطن همی خوانیم

ج

چون که حب وطن ز ایمان است ما یقیناً ز اهل ایمانیم

چ

گر رسد دشمنی برای وطن جان و دل، رایگان بیفشانیم

۱۳۷ صحیح یا غلط بودن جملات زیر را مشخص کنید.

الف سربازان بعثی از رودخانه‌ی بهمن شیر گذشتند. صحیح غلط

ب دریاقلی از دلاور مردان دوران دفاع مقدس بود. صحیح غلط

پ دریاقلی در مرکز شهر آبادان زندگی می‌کرد. صحیح غلط

۱۳۸ درستی یا نادرستی سؤالات زیر را مشخص کنید.

الف «طب - طیب - مطلب» با هم، هم‌خانواده هستند.

ب معنی واژه‌ی «نفوذ» تأثیر و ورود است.

۱۳۹ باتوجه به عبارت زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«باری توانگر گفت درویش را که: چرا خدمت نکنی تا از مشقت کار کردن برهی؟

گفت: تو چرا کار نکنی تا از مدلت خدمت، رهایی یابی که خردمندان گفته‌اند.

* نان خود خوردن و نشستن به که کمر زرین بستن و به خدمت ایستادن».

الف چهار واژه‌ی متضاد، دو به دو بنویسید.

ب دو واژه‌ی مشخص شده‌ی «به» چه تفاوت معنایی با هم دارند؟

پ در کدام جمله فعل حذف شده است؟

ت معنی واژگان «توانگر» و «مشقت» را بنویسید.

ث معنی عبارت آخر را بنویسید.

ج مفهوم کل عبارت کدام گزینه است؟

الف) کار بی زحمت و ثروت زیاد خوب است.

ب) خدمت به دیگران ستایش شده است.

ج) حاصل دسترنج خود را خوردن خوب است.

۱۴۰) باتوجه به ابیات زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«آخ که شدم هیزم و آتشگر گیتی / اندام مرا سوخت چنین ز آتش ادبار

خندید برو شعله که از دست که نالی / ناچیزی تو کرد بدین گونه تو را خار»

الف) جای اجزای جمله را در هر بیت، مرتب کنید.

ب) بیت اول چند جمله دارد؟ نشان دهید.

پ) بیت دوم چند جمله دارد؟ مشخص کنید.

ت) نهادهای هر جمله را بنویسید.

ث) معنی واژگان «آتشگر - آخ - ادبار» را بنویسید.

ج) قافیه‌های هر بیت یا مصراع را بنویسید.

چ) اگر این دو بیت ابیات ۶ و ۷ یک شعر ۱۱ بیتی باشد، قالب آن شعر کدام است؟

۱۴۱) باتوجه به ابیات زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«آخ که شدم هیزم و آتشگر گیتی / اندام مرا سوخت چنین ز آتش ادبار

خندید برو شعله که از دست که نالی / ناچیزی تو کرد بدین گونه تو را خار»

الف) نوع «که» در مصراع سوم را بنویسید.

ب) یک غلط املائی بیابید و درست آن را بنویسید.

پ) در این ابیات، کدام یک از آرایه‌های ادبی دیده می‌شود؟

ت) فن در این شعر به کار رفته است.

ث) در بیت اول یک مفعول و در بیت دوم یک متمم پیدا کنید و بنویسید.

ج) کدام آرایه در این ابیات وجود ندارد؟

الف) شخصیت‌بخشی ب) کنایه ج) تشبیه

۱۴۲) درک متن

الف الف) جمله‌های زیر را با دقت بخوانید و به ترتیب درست، شماره‌گذاری کنید.

- مرد نگاهی به نانوا انداخت و گفت: نان نیست، جان است برادر!
- مرد گرسنه با دست نانی را نوازش کرد و گفت: «ای مرد، چقدر می‌گیری که مرا از این نان‌ها سیر کنی؟»
- روزی روزگاری مردی خسته و مانده، تشنه و گرسنه به شهری رسید.
- این شد که گفت: «سگه‌ای بده و هرچه که می‌خواهی از این نان‌ها بخور!»
- «چه می‌خواهی مرد؟ اینها که می‌بینی نان است، نه چیز دیگر!»
- نانوا لبخندی زد و گفت: «سگه‌ای بده و نان بخر و بخور. نوش جان!»
- او با دیدن نان‌های تازه آب دهانش سرازیر شد.
- طوری حرف می‌زنی که گویی سال‌هاست نان ندیده‌ای.
- نانوا به او خیره شد و با خودش گفت: «این مرد هرچه پرخور و گرسنه باشد، بیشتر از چند نان نمی‌تواند، بخورد.»
- روزهاست که نان ندیده‌ام؛ ولی نان‌های تو از آن نان‌هاست که خوردن دارد.
- از آنجا که خیلی گرسنه بود، جلوی دکان نانوايي ایستاد.
- مرد با خوشحالی سگه‌ای به نانوا داد و شروع به خوردن کرد.
- نانوا که مرد گرسنه را دید، پرسید:

ب ب) پس از مرتب کردن جمله‌ها، دو سؤال طرح کنید و پاسخ آنها را بنویسید (سعی کنید سؤال‌ها با توجه به مفهوم کلی متن باشد).

۱۴۳ قسمت دوم ضرب‌المثل‌های زیر را پیدا کنید و به هم وصل کنید.

(راست)

(چپ)

- به پایان آمد این دفتر
- مشک آن است که خود ببوید
- کبوتر با کبوتر باز با باز
- این دغل دوستان که می‌بینی
- تا پول داری رفیقتم
- عاشق بند کیفیتم
- مگسانند دور شیرینی
- حکایت همچنان باقی است
- نه آنکه عطار بگوید
- کند هم جنس با هم جنس پرواز

۱۴۴ نثر زیر را به زبان ساده بنویسید.

«ای محمد ما از قصه‌های رسولان و خبرهای پیغمبران، بر تو می‌خوانیم. آنچه بدان، دل را ثابت گردانیم و فایده‌های کلی تو را حاصل گردد.»

۱۴۵ هر کلمه‌ی داده شده را در یک ضرب‌المثل به کار ببرید.

الف) مار - ریسمان ←

ب) آش - سوخته ←

۱۴۶ گفت‌وگوی خیالی یک خودکار و کاغذ را در یک بند بنویسید. (منظور همان مناظره است.)

۱۴۷ برای هر یک از کلمه‌های زیر، دو صفت بنویسید.

الف) شغل: و

ب) خاطره: و

پ) دوست: و

ت) برادر: و

۱۴۸ منظور از ضرب‌المثل «شکر نعمت، نعمت افزون کند / کفر نعمت، از کفت بیرون کند» را در یک بند بنویسید.

۱۴۹ کدام یک از شعرهای زیر مثنوی است؟ دلیل خود را بیان کنید.

- الف) «نیینی باغبان، چون گل بکارد
- به روز و شب بود بی‌خورد و بی‌خواب
- ب) «ملکا، ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی
- همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم
- چه مایه غم خورد تا گل برآرد
- گهی پیراید او را گه دهد آب»
- نروم جز به همان ره، که توام راه‌نمایی
- همه توحید تو گویم که به توحید سزایی»

۱۵۰ در شعر «درخت علم»، علم به چه چیزهایی تشبیه شده است؟

۱۵۱ با توجه به واژه‌های زیر، کلمات هم‌خانواده را در یک گروه قرار دهید.

«اشعار، لفظ، اعصار، مشاعر، معاصر، الفاظ، عصر، شاعر، تلقظ»

گروه الف) ←

گروه ب) ←

گروه پ) ←

۱۵۲ با واژه‌ی «نمک» یک ضرب‌المثل بنویسید و فهم خود را از آن بیان کنید.

۱۵۳ برای کلمه‌های زیر تشبیه مناسب پیدا کنید و در جمله‌ای به کار ببرید.

الف) وطن مثل

ب) علم مثل

۱۵۴ بدان که مردم از سه جنس اند:

بعضی چون هستند که وجودشان برای ما لازم است،

بعضی چون هستند که فقط گاهی به آن‌ها نیاز داریم،

و برخی دیگر مانند هستند که ما هرگز به آن‌ها نیاز نداریم، ولیکن گاهی گرفتارشان می‌شویم که در چنین هنگامی

باید و داشته باشیم تا به سلامت از دست آن‌ها، رها شویم.

۱۵۵ با کلمه‌های زیر یک جمله‌ی زیبا بنویسید.

خوبی - همیشه - من - همکلاسی‌هایم - سعی می‌کنم - رفتار - داشته باشم - با

۱۵۶ جمله‌های زیر را با دقت بخوانید و به ترتیب درست شماره‌گذاری کنید.

- دید دهد هم از آشیانه بیرون آمده،

- پیرزن گفت: «می‌دانی چه خبر است؟»

- یک روز پیرزن از خانه بیرون آمد تا دنبال کاری برود،

- روی شاخه‌ی درخت، نشسته است و آواز می‌خواند.

- دهد گفت: «چندان بی‌خبر هم نیستم.»

۱۵۷ در هریک از عبارت‌ها و مصراع‌های زیر، شبه‌جمله را مشخص کنید.

الف. یارب، مددی

ب. ای شکم خیره به نانی بساز

۱۵۸ به‌جای واژه‌های مشخص‌شده، واژه‌های دیگری قرار دهید و جمله را بازنویسی کنید.

الف. زینهار، تا بدی نکنید.

ب. سخنان محال و گزاف نگوید.

۱۵۹ واژه‌ی «بطلب» در زمان‌های گذشته چگونه به کار رفته است؟

۱۶۰ در یک بند توضیح دهید که مشورت چیست و با چه کسانی باید مشورت کرد؟

۱۶۱ از آداب نظم‌خوانی این است که چنان نکند که ملول گردد.

۱۶۲ در شعر «میوه‌ی هنر»، و میوه‌ی انسان است.

۱۶۳ وقتی جمله پایانی می‌پذیرد، کدام نشانه‌ی نگارشی در انتهای آن قرار می‌گیرد؟

الف. دو نقطه (:) ب. ویرگول (،) پ. گیومه (») ت. نقطه (.)

۱۶۴ انواع قصه‌خوانی را نام ببرید.

۱۶۵ در عبارت‌های زیر، غلط‌های املایی را پیدا کنید و شکل درست آن‌ها را بنویسید.

ب. آوخ که شدم حیزم و آتشگر گیتی

ت. روز امل و مزد، بود کار تو دشوار

الف. آن غصه شنیدید که در باغ یکی روز

پ. ناچیزی تو، کرد بدین‌گونه تو را خار

۱۶۶) مخفف کدام واژه به درستی نیامده است؟

الف. پار: پاره ب. دی: دیروز پ. مه: ماه ت. بدین: به این

۱۶۷) در خلاصه‌نویسی باید چه مطالبی ذکر شود؟

۱۶۸) گاهی در یک نوشته یا شعر، شخصیت‌های انسانی یا غیرانسانی به بحث با هم می‌پردازند، به این کار می‌گویند.

۱۶۹) با ترکیب واژه‌های داده‌شده، پنج واژه جدید بسازید.

«کند - پیش - ساز - جهان - دل - بینی - گاری - یک - فهم - دیده»

۱۷۰) در همه‌ی گزینه‌ها تضاد وجود دارد، به جز گزینه‌ی

الف. نیک و بد ب. سرد و گرم پ. بیشتر و کمتر ت. تدبیر و اندیشه

۱۷۱) در کدام گزینه منادا وجود دارد؟

الف) همچو باران بهاری ب) از بلندی‌های پاک ج) ای دلیل زنده ماندن د) مثل سبزی چمن

۱۷۲) منظور از عبارت «رستم در خشم می‌شود، چیست؟

۱۷۳) در عبارت‌های زیر غلط‌های املايي را پیدا کنید و شکل صحیح آن‌ها را بنویسید.

الف. حتماً دریافتید که مقسودم از این فرزندان عزیز، چه کسانی هستند.

ب. افتخارات شما با عس سربلندی و اعتبار من است.

پ. در اشکال زبان فارسی، تغییرات زیادی پدید آمده است.

ت. هر واژه، تلفظ، معنی و معمولن یک شکل نوشتن دارد.

۱۷۴) در جدول پایین، ۲ کلمه‌ی (مترادف)، ۲ کلمه‌ی (متضاد) و ۲ کلمه‌ی (مفرد و جمع (ان)) بنویسید.

مترادف	متضاد	مفرد و جمع (ان)
۱.	۱.	۱.
۲.	۲.	۲.

۱۷۵) دو اصل از اصولی را که هنگام نوشتن باید به آن‌ها توجه کرد، نام ببرید.

۱۷۶) برای تصمیم‌گیری چه شرایطی لازم است؟

۱۷۷) در جدول زیر برای هر گروه از واژه‌ها، سه حرف مشترک بنویسید.

واژه‌ها	حروف مشترک
۱. کتاب، مکتوب، کاتب	
۲. منظور، نظر، نظرات	
۳. تعلیم، علما، علوم	

۱۷۸) در کدام‌یک از گزینه‌های زیر، هم‌خانواده وجود ندارد؟

الف. خالق، مخلوق ب. معلّم، عمل پ. تفکّر، افکار ت. محبّت، محبوب

۱۷۹) در مصراع و عبارت زیر، غلط‌های املايي را پیدا کنید و شکل درست آن‌ها را بنویسید.

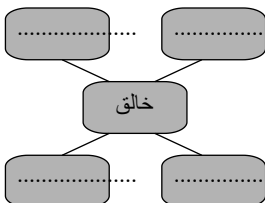
الف. «ناله‌ی موزن مُرغ، بوی خوش لاله‌زار»

ب. «ناندیشیدن و قفلت اندر کار خالق و مخلوق، تاریکی افزایش اندر دل»

۱۸۰) واژه‌ی «اندیشه» را در انواع جملات زیر به کار برید.

الف. خبری ب. پرسشی پ. عاطفی ت. امری

۱۸۱) چهار واژه‌ی مرتبط با (خالق) را بنویسید.



- ۱۸۲ در عبارت‌های زیر، واژه‌های «اگر، اما، چون، و» را به‌طور مناسب به کار ببرید.
- الف دو برادر یکی خدمت سلطان کردی دیگری به زور بازو نان خوردی.
- ب کمک کردن به هم‌نوع، کار پسندیده‌ای است اسب من تاب و توان راه رفتن ندارد.
- پ دریاقلی در آن شب سرنوشت‌ساز اندکی کوتاهی می‌کرد؛ اتفاقات ناگواری می‌افتاد.
- ۱۸۳ درستی یا نادرستی جملات زیر را مشخص کنید.
- الف معروف‌ترین اثر شیخ محمود شبستری، مثنوی گلشن راز است.
- ب برای زیبا و موزون شدن شعر، جای اجزای جمله تغییر نمی‌کند.
- ۱۸۴ معنی ابیات زیر را بنویسید.
- الف
- کز من نه دگر بیخ و بُنی ماند و نه شاخی از تیشه‌ی هیزم شکن و ارّه‌ی نَجّار
- ب
- آن قصّه شنیدید که در باغ، یکی روز از جور تبر زار بنالید سپیدار
- پ
- گفتش تبر آهسته که جرم تو همین بس کاین موسم حاصل بود و نیست تو را بار
- ت
- تا شام، نیفتاد صدای تبر از گوش شد توده در آن باغ، سحر، هیمه‌ی بسیار
- ث
- دهقان چو تنور خود از این هیمه برافروخت بگریست سپیدار و چنین گفت دگر بار
- ج
- آوخ که شدم هیزم، آتشگر گیتی اندام مرا سوخت چنین ز آتش ادبار
- چ
- خندید بر او شعله، که از دست که نالی؟ ناچیزی تو، کرد بدین گونه تو را خوار
- ح
- آن شاخ که سر بر کشد و میوه نیارد فرجام، به جز سوختنش نیست سزاوار
- خ
- جز دانش و حکمت نبود میوه‌ی انسان ای میوه‌فروش هنر، این دگّه و بازار
- د
- از گفته‌ی ناکرده و بیهوده چه حاصل؟ کردار نکو کن، که نه سودی‌ست ز گفتار
- ذ
- آسان گذرد گر شب و روز و مه و سالت روز عمل و مُزد بود کار تو دشوار

پاسخنامه تشریحی

۱) یعنی هر کسی که تلاش کند، خداوند او را کمک می‌کند و به نتیجه‌ی تلاشش می‌رسد.

۲) کار نیکو کردن از پر کردن است.

تو نیکی می‌کن و در دجله انداز
شکر نعمت، نعمت افزون کند

۳) عاطفی

۴) گزینه‌ی میالغه. بیت میالغه در شدت خون‌ریزی دارد.

۵) الف. بازنویسی: ناله‌ی هر مرغ زار باز به گردون رسید.

ب. نهاد: ناله‌ی هر مرغ زار

پ. گزاره: باز به گردون رسید.

ت. فعل: رسید

۶) چلچله‌ی خوش آواز در آسمان به پرواز درآمد به ابر سلام کرد از کتاب خورشید گذشت و به او لبخند زد با باد هم‌نوا شد به زمزمه‌ی آب گوش فرا داد و چهره‌ی زیبای خود را در آن مشاهده کرد. چلچله می‌دانست که چگونه از این همه زیبایی لذت ببرد.

۷) الف) فکر، تفکر، افکار، متفکران

ب) تعلیم، معلومات، معلمان، تعلیمات

۸)

نشان نگارشی	نوع جمله	جمله
.	امری	زیر درخت را نگاه کن
؟	پرسشی	برای سربلندی میهن عزیزمان چه کارهایی باید انجام دهیم
.	خبری	امروز بهترین دوستم جان مرا نجات داد
!	عاطفی	خدا تو معرکه‌ای

۹) - اندیشه کردن در کار خالق و مخلوق موجب روشنایی دل می‌گردد.

- باد بهاری از طرف مرغزار وزیدن گرفت.

- هر برگ‌ی از درختان نشانه‌ای از قدرت کردگار است.

۱۰) ۴ تشبیه: تشبیه علم به

درخت }
آفتاب }
بحر }
سحاب }

ب) علم مشبه است.

۱۱) نظیر - سرآمد - اصرار - بالاخره

۱۲) امام زمان (عج)

۱۳) من: حذف شده است.

۱۴) الف) بحث‌های (ب) لایب

۱۵) مقصود: ق ص د / معلوم: ع ل م

مطبوع: ط ب ع

۱۶) الف) ابوالقاسم حالت

۱۷) حکمت و محکوم هر دو از ریشه‌ی ح ک م است.

۱۸) ب) زیرا هم‌ریشه و دارای حروف اصلی یکسان نیستند. ریشه شهید و مشهد (ش ه د) است.

۱۹) پنج جمله زیرا پنج فعل دارد.

ناگهان شخصی که سیلی خورده بود (۱)

لغزید (۲)

در برکه افتاد (۳)

دوستش به کمکش شتافت (۴)

او را نجات داد (۵)

۲۰) ابوعلی بلعمی: تاریخ بلعمی

شیخ محمود شبستری: گلشن راز

سعدی: گلستان

۲۱

الف

خوش به حال کسانی که خدا یارشان است. و حمد و قول هو... و ذکر قرآن کار همیشگی‌شان است.

ب

خوش به حال آنان که همواره در حال نماز و یاد خدایند و بهشت ابدی جایگاه آنهاست.

پ

ای خدا کمک کن و به قلبم کمک کن و به فریادش برس، تو یار انسان‌های تنهایی و من الان بی کس و تنهام.

ت

همه‌ی مردم می‌گویند که من - (باباطاهر) - هیچ‌کسی رو ندارم، خدا یار من است و من نیاز به کسی ندارم.

ث

ای کسی که نامت مثل گل روی لب‌های من می‌روید (نامت را صدا می‌زنم) و در لطف و مهربانی تو غرق و غوطه‌ور هستم.

ج

نیازی دارم و برای آن دعا می‌کنم و منتظر اجابت از سوی خدا هستم، مثل دانه‌ای که در خاک کاشته‌ام و منتظر باران هستم.

چ

اگر امام زمان ظهور کند، معرفت و لطف و حقیقت خدا را آشکار می‌کند.

ح

تنم را مثل فرشی زیر پایش می‌اندازم تا با اسبش از روی آن سریع عبور کند و دل و تمام وجودم را قربانی آمدنش خواهم کرد.

۲۲

۱

نوعی درخت که میوه ندارد.

۲

آرایش شده، منظم

۳

عصبانی شد.

۴ نور و روشنایی

۵ دروغگو

۶ باارزش

۲۳

الف) دشمن - دوست

ب) هستم ، نیستم - می‌روم، نروم

پ) دوستان، دشمنان - زندگی، مرگ - دوست، دشمن

۲۴

یعنی انسان‌ها در زندگی باید با کسانی که از نظر فکر و اندیشه و وضعیت مالی با آنها یکسان می‌باشند، دوست شوند در غیر این صورت همیشه مورد تحقیر قرار می‌گیرند.

۲۵

ذ	س	ن	ظ	م	ع	ص	ی	ر
ل	ت	ج	ا	خ	م	ح	ن	ا
ط	ا	ژ	ر	و	ص	ف	ت	غ
غ	خ	ی	ل	ا	ق	ز	ع	ب
پ	گ	د	ف	ن	ه	و	ب	ی
س	ل	ا	ط	ی	ن	ا	ر	م
ک	ا	ع	ت	د	ا	ل	ت	ش

زوال

اعتدال

راغب

لایق

خوانی

سلاطین

نوع

نظم

۲۶

الف) باید دانست که جماعت، (لایق - لایغ) چه نوع سخن است.

ب) آگاه شدن از (اهوال - احوال) گذشتگان از فواید قصه‌خوانی است.

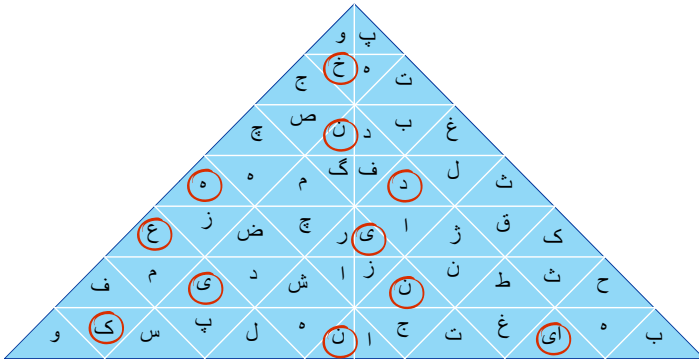
پ) از آداب حکایت‌گویی این است که سخنان محال و (گذاف - گزاف) نگوید.

ت) در نظم‌خوانی، چنان نکنند که (مستمع - مصتمع) ملول گردد.

۲۷

جمله: خنده یعنی اینک

فارس‌ی پایه ششم دبستان



۲۸ زبان سبز: ← درختان با زبان سبز سخن می‌گویند.

باغچه: ← باغچه با سبزیجات درون خود صحبت کرد.

چمنزار: ← چمنزار به گوسفند گفت کمتر از من بخور.

۲۹ قناری آواز نمی‌خواند. گل چشمانش را باز نمی‌کند و ابر از حرکت ایستاده است. گویی همه منتظر فصل بهار هستند. فصل دوباره زنده شدن طبیعت. فصل گل‌های زیبا بوته‌های سبز و آسمان آبی که خورشید گرم و تابان به آن می‌تابد. پشت پنجره منتظر بهار نشسته‌ام. در انتظار فصلی که عشق و امید به زندگی را همراه می‌آورد.

۳۰



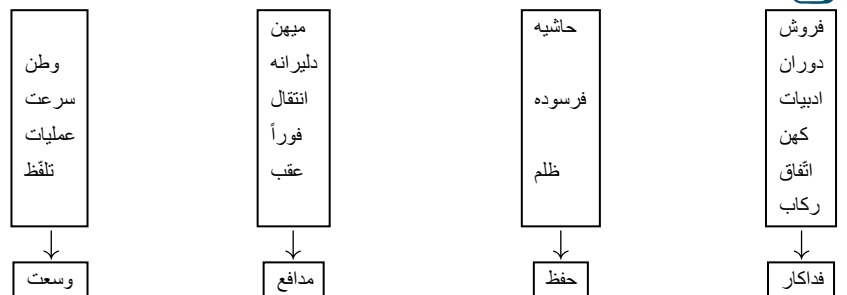
۳۱

واژه	+	نام	=	واژه‌ی جدید
کار	+	نام	=	کارنامه
روز	+	نام	=	روزنامه
لغت	+	نام	=	لغتنامه
ماه	+	نام	=	ماه نامه

۳۲

واژه‌های بدون نقطه	واژه‌های یک نقطه‌ای	واژه‌های دو نقطه‌ای	واژه‌های سه نقطه‌ای
مردمی - دلاور مرد - کامل - همراه - صدا - محاصره - کوی	هدف - مانع - نام فداکاری - دوران - افکار - فردا خواهد - زهرا - اندک	سرعت - نبرد - دریا - کوتاهی - موقع - آبادان - تمام - جان - انسان	متوجه - شود - وابسته - می‌گفت - کوچه می‌دانست - نفوذ - همچون - بسیار - دچار

۳۳



۳۴ مادر مثل خورشید همیشه ما را گرم می‌کنند.

گل مانند عطر همه جا را خوش بو می‌کند.

کوه چون پدر سالم و پایدار است.

ایران همانند خانه است زیرا در آن احساس امنیت می‌کنیم.

۳۵ ای وطن دوستت دارم؛ چون مانند سرودی صادقانه از اعماق وجود شنیده می‌شوی. دوستت دارم؛ زیرا مانند کوه در برابر دشمنان استواری. قهرمان قصه همچو خوش‌ترین یادها در دل‌ها، جاودانه خواهد بود. نم‌نم باران بهاری و بوی عطر گل‌ها، یادآور اشعار زیبای حافظ است. دوستت دارم و با عشق نگهبان بلندی‌های خاک پاکت هستم.

۳۶

نگهبان
کاروانی

بامداد صاحبان مال دیدند که (3) شتران و بار آنها ناپدید شده است.

دزدان رسیدند و کاروان را غارت کردند.

شب (1) به خواب رفت.

گفت: «تعداد آنها زیاد بود و من تنها بودم».

(2) بامداد صاحبان مال دیدند که شتران و بار آنها ناپدید شده است.

(4) به پاسبان پر خاش کردند که چه پیش آمده است؟

(5) گفت: «دزدان نقابدار، کاروان را غارت کردند و اگر نمی توانستی با آنها مبارزه کنی، باید فریاد و میگردی».

گفتند: «مگر مال مردم را به یغما بردند».

تا بیدار شویم».

چرا جلوی آنها را نگرفتی؟ (6)

گفت در آن هنگام شمشیر کشیدند و گفتند اگر فریاد و هیاهو کنی تو را میکشیم (9)

من نیز از ترس خاموش گشتم (10)

اما اکنون هر قدر بخواید برایتان فریاد میکشیم! (11)

- ۱) نگهبان کاروانی شب به خواب رفت.
- ۲) دزدان رسیدند و کاروان را غارت کردند.
- ۳) بامداد صاحبان مال دیدند که شتران و بار آنها ناپدید شده است.
- ۴) به پاسبان پر خاش کردند که چه پیش آمده است؟
- ۵) گفت: «دزدان نقابدار، کاروان را غارت کردند و مال مردم را به یغما بردند».
- ۶) گفتند: «مگر تو سنگ بودی؟ چرا جلوی آنها را نگرفتی؟»
- ۷) گفت: «تعداد آنها زیاد بود و من تنها بودم».
- ۸) گفتند: «اگر نمی توانستی با آنها مبارزه کنی، باید فریاد و هیاهو می کردی تا بیدار شویم».
- ۹) گفت: «در آن هنگام شمشیر کشیدند و گفتند اگر فریاد و هیاهو کنی تو را می کشیم».
- ۱۰) من نیز از ترس خاموش گشتم.
- ۱۱) اما اکنون هر قدر که بخواید برایتان فریاد می کشم!

۳۷) انجام هر کاری به ویژه کمک به دیگر باید در زمان مناسب و به موقع انجام شود اگر نه تأثیر و فایده نخواهد داشت مانند نوش دارویی که برای بهبود زخم سهراب تهیه کرد اما چون دیر آورد فایده‌ای نداشت.

۳۸) رخش عصبانی شد و به جنب و جوش درآمد و خاک از زمین بلند کرد و از شدت کوبیدن سمش به روی زمین، زمین ترک خورد.

۳۹) الف) شصت سال طول می کشد ← خیلی طول می کشد.

زیر پایم علف سبز شد ← خیلی صبر کردم.

ب)

معنای دور: کار بیهوده انجام دادن
معنای نزدیک: ریختن آب در هاون
آب در هاون کوبیدن

۴۰) الف) من هم ماند شما هستم و زندگی من داستانی طولانی دارد.

ب) خورشید از پشت افق چهره‌ی خود را به جهانیان نشان می دهد.

۴۱) الف)

خزندگان	←	ان+	خزنده
پرنده‌گان	←		پرنده
نویسندگان	←		نویسنده
وابستگان	←		وابسته

ب) خوانندگان، یابندگان، ستارگان، شنندگان

۴۲) علم: عالم، معلم

عزت: عزیز، معزز

۴۳) تلاش و کوشش شما تنها فرزند مهربان (باعث) سربلند و (عزت) من می شود. بزرگی و (عظمت) من و شما به این است که با هم، کنار هم و نگهبان هم باشیم. تغییر و (تحول)، ویژگی هر پدید زنده‌ای است. چهره‌ی نوشتاری و خطی من برای ایجاد دوستی و (صمیمیت) میان من و شما کمی بیشتر (اهمیت) دارد.

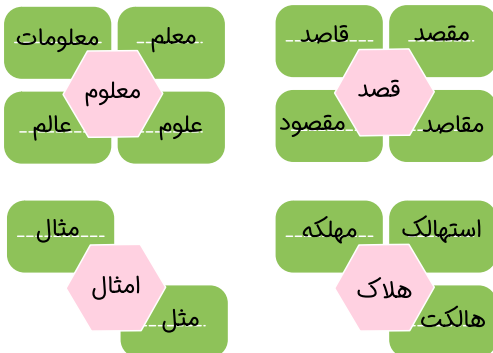
۴۴) یعنی اگر دشمن دانایی داشته باشید با خود می گوید من باید بهتر باشم. ولی اگر دوستش نادان باشد به خود می گوید اشکالی ندارد. دوستم این جور است پس من هم این جور باشم.

۴۵) - در زمان‌های قدیم پادشاهی بود که به شکار و گردش علاقه داشت و پیوسته به قصد شکار اسب می تاخت.

- پادشاه از آن حرکت آزرده خاطر گشت.

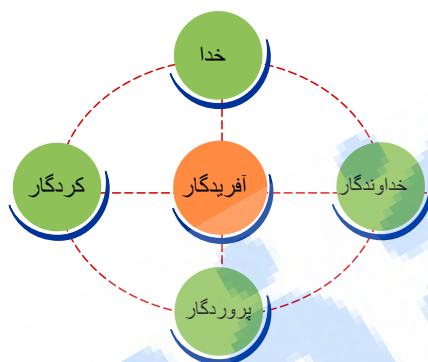
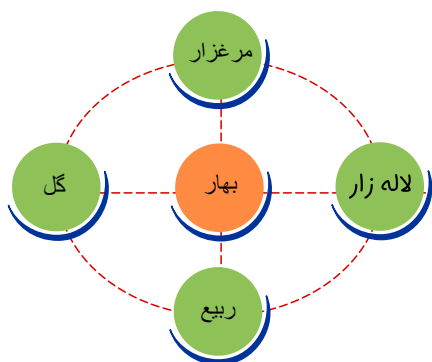
- آب دهان زهر آلودش با آب چشمه مخلوط می شود و قطره قطره از کوه فرو می چکد.

۴۶)



۴۷ در حیاط خانه‌ای زیبا گل‌های سوسن و نرگس بود و کنار این خانه لاله‌زاری بود. وسط آن لاله‌زار درخت بید بزرگی بود که روی آن بلبل‌های زیادی بود. هنگام بهار از این دو مکان بوی گل و عطر آن‌ها جاری است.

۴۸ پاسخ:



۴۹ الف - عبارت صورت سؤال و عبارت گزینه‌ی «الف» هر دو بر اهمیت راست‌گویی اشاره دارد.

۵۰ الف ← حرف اضافه (به برادران وصیت کرد).

ب ← فک اضافه (زندگانی بدکننده، کوتاه باشد).

ج ← مفعولی (روی را روشن می‌دارد).

۵۱ الف (آگاه باش ب) دروغ آزمای ج) عزیز و بزرگوار د) پسندیده

۵۲ الف) واعظ کاشفی ب) چالاک به سخن درآید.

۵۳ الف) ادب ← مؤدب، ادیب ب) سلطان ← سلطنت، سُلطه

ج) عجیب ← تعجب، متعجب د) فایده ← مفید، استفاده

ه) حاضر ← محضور، حضور و) حال ← تحوّل، متحوّل

۵۴ ج - مستمع به معنی شنونده است.

۵۵ الف) آرامش، کمی غم و اندوه ب) غیرممکن ج) سرزمین و پادشاهی د) شنونده

۵۶ الف) شب و روز، آسان و دشوار

ب) مه، مخفف ماه است.

ج) عمل و مزد - روز و شب و ماه سال تناسب دارند.

۵۷ تلمیح به روز قیامت

۵۸ الف) آخ و افسوس ب) گناه و تقصیر ج) بدبختی، نگون‌بختی د) هیزم

۵۹ ب- منادا قرار دادن وطن که غیر انسان است جان‌بخشی محسوب می‌شود.

۶۰ در شعر یا نوشته، شخصیت‌های انسانی یا غیر انسانی، به صورت پرسش و پاسخ و بحث و مجادله به گفت‌وگو می‌پردازند.

۶۱ گزینه‌های ج، ه، و

دست در دامن مولا زدن در- مدهوش بود مسجد کوفه و منادا قرار دادن شکم جان‌بخشی است.

۶۲ به دلیل شکل ظاهری غنچه که گلبرگ‌های آن هنوز جمع و بسته است و هنوز شکوفا و باز نشده است.

۶۳ بحث، مجادله، پرسش و پاسخ

۶۴ الف) کنایه از ناراحتی و اندوه ب) کنایه از باتجربه بودن

۶۵ الف) با دست خود آهن داغ را خمیر کردن، بهتر از آن است که دست به سینه جلوی امیر(سلطان) بایستی و خدمت کنی.

ب) عمر ارزشمند در این فکر مصرف شد و گذشت، که تابستان چه بخورم و زمستان چه بپوشم.

ج) ای شکم گستاخ (ای انسان زیاده‌خواه بی‌پروا) به روزی کم قناعت کن، تا مجبور نشوی برای خدمت به دیگران پشتت را خم و دولا کنی.

- ۶۶ بیت اول شعر عمر گران مایه مثنوی و دو بیت دومش قطعه است.
- ۶۷ (الف) می کرد (ب) می خورد (ج) بخورم
- ۶۸ (الف) تابستان (ب) کمر بند (ج) ثروتمند (د) خواری و پستی
- ۶۹ (الف) رنج و سختی (ب) زمستان (ج) داغ، گرم (د) گستاخ و بی پروا
- ۷۰ شهریار
- ۷۱

نهاد واژه ناشناس است که به امام علی (ع) اشاره دارد.

امام علی (ع) همان ناشناسی است که به تاریکی شب، شام یتیمان عرب را می برد.

دست در دامن مولا زد، در چه کسی دست در دامن مولا زد؟ در نهاد است.

در دست در دامن مولا زد/ که علی و بگذر و و از ما مگذر

۱ ۲ ۳ ۴

تشخیص در، تضاد: بگذر ≠ مگذرد

[شبروان مست ولای تو هستند] علی [ای] / [جان عالم به فدای تو] باشد [علی] [ای]

۱ ۲ ۳ ۴

هستند، باشد ← هر دو فعل پنهان و محذوف است.

عاشقان، عارفان، شب زنده داران، عابدان

۸۰ بدان ، ای پسر که مردمان تا زنده اند از دوستان ناگزینند که مرد اگر بی برادر باشد به که بی دوست باشد. ← ۶ جمله

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶

۸۱ الف: انس - و لا: دوستی - مدهوش: حیران

۸۲ (ب) شبروان مست ولای تو علی تشخیص ندارد.

۸۳ (الف) امام علی (ع) همان عاشقی است که در یک شب خطرناک به جای حضرت محمد (ص) در جای خواب ایشان خوابید.

(ب) شب از اسرار و رازهای علی (ع) باخبر است و دل شب محرم اسرار الهی است.

(ج) عاشقان مست و شیفته‌ی محبت تو هستند ای علی. و جان همه‌ی مردم عالم به فدای تو.

(د) شب مناجات و راز و نیاز علی (ع) را شنیده است. همان مناجات و عشق همیشگی که مثل چشمه می جوشد (جوشان است).

۸۴ (الف) نهاد: مشاورت کردن (ب) مشاورت کردن در کارها، از قوی رای، تمام عقلی و پیش بینی مردم باشد.

(ج) یک جمله (د) مشورت - شورا - مشاور و... (ه) قوی رای = تمام عقلی

۸۵ قابوس نامه: عنصرالمعالی کیکاووس - شیر خدا: شهریار - سیاست نامه: خواجه نظام الملک توسی

۸۶ ج - سرد و گرم چشیده و جهان دیده هر دو به معنی با تجربه است.

۸۷ (الف) بلندمرتبه (ب) هماهنگ (ج) شگفت انگیز (د) عارفان و عابدان و حق شناسان

۸۸ (الف) همیشگی - بی آغاز (ب) چاره اندیشی (ج) شهرستان (د) انس و دوستی

۸۹ مثنوی

۹۰

(الف) نهاد = علم

(ب) ۴ جمله

که درختش نام شد گاه آفتاب / گاه بحرش نام شد گاهی سحاب

۱ ۲ ۳ ۴

(ج) ۴ تشبیه - تشبیه علم به درخت، آفتاب و بحر و سحاب

۹۱ از علم هزاران اثر و نتیجه بدست می آید که کمترین اثر آن عمر جاودانی است.

۹۲ علم را گاهی درخت، گاهی آفتاب گاهی دریا و گاهی ابر نامیده اند.

۹۳ تو به دنبال ظاهر رفته ای ای بی خبر و به این خاطر از شاخه‌ی معنی بی بار و بی ثمر ماندی. (نتیجه ای نگرفته ای)

۹۴ شیخ به او خندید و گفت ای نادان این درخت، درخت علم است ای نادان

۹۵ رباعی

۹۶

دلا، دیدی آن عاشقان را؟ جهانی رهایی در آوازشان بود / و در بند حتی / قفس، شرمگین از شکوفایی شوق پروازشان بود.

(۱) یک جمله (۲) یک جمله (۳) یک جمله (۴) یک جمله

نهاد جمله دوم ← تو (محذوف)

نهاد جمله سوم ← یک جهان رهایی

نهاد جمله چهارم ← قفس

۹۷ (الف) او (محذوف) (ب) دانشجویان (ج) حقایق: حق / انواع: نوع / مطالعات: مطالعه / اُسر: اسیر

(د) اینار: فداکاری و از خودگذشتگی ساعی: کوشا، تلاشگر.

(ه) مدافع، دفع، دافع / مسلمان، سلام، تسلیم / مستقیم، مقاوم، مقاومت / تحمیل، حمل، محموله / حاصل، محصول، محصل

(و) به پا خاسته

۹۸ : دونقطه

۹۹ هوشنگ مرادی کرمانی در روستای سیرج کرمان به دنیا آمد. او تحصیلاتش را در تهران ادامه داد. اولین داستان او در مطبوعات منتشر شد. آثار او عبارت‌اند از: قصه‌های مجید، داستان خمره و آب‌انبار.

۱۰۰ کیمیای سعادت - احیاء علوم دین - نصیحة الملوک

۱۰۱ ۱- نبرد با شیر ۲- گذر از بیابان ۳- نبرد با اژدها ۴- نبرد با جادوگر

۵- به بند کشیدن اولاد ۶- نبرد با ارژنگ دیو ۷- جنگ با دیو سپید

۱۰۲ خان اول و سوم. در نبرد با شیر و نبرد با اژدها رخس به رستم کمک کرد.

۱۰۳ خان دوم: بیابان سخت‌گزینه‌ی (ب)

۱۰۴ الف) راهی (ب) خان (ج) اولاد

۱۰۵

الف) دشمن - شیطان

پ) پایان - سرانجام

ث) ترسناک - وحشتناک

ج) پیروزی - غلبه

خ) موی بلند پشت گردن حیوانات مثل اسب و شیر

ذ) پهلوانی - دلیری

ز) سروصدا

ش) هول شدن - ترسیدن

۱۰۶ گلستان و بوستان

(ب) مراقبت و خدمت و رسیدگی کردن
(ت) شکار
(ج) به‌این‌سان - به‌این‌گونه - به‌این‌ترتیب
(ح) آتش تند و تیز - آتش جهنده
(د) خدا
(ر) دادگر: عادل
(س) رو به کسی صحبت کردن، رو
(ص) خسته

۱۰۷

واژه	نشانه‌ی جمع
معلم	ان
ستاره	ان
تظاهر	ات
پله	ان
مومن	ون

واژه	نشانه‌ی جمع
درس	ها
آشنا	ان
خاطر	ات
دانشجو	ان

۱۰۸ ب ← فرماندهان

الف ← پرندگان

ج ← بیگانگان

۱۰۹ جمع: یاران - درختان - کلاس‌ها - کتاب‌ها - دانشمندان - نشانه‌ها

مفرد: آسمان - پهلوان - اژدها - باران

۱۱۰ وطن - ایران

۱۱۱ خوشحال - خوش حال / خوشبخت / کتاب‌خانه / گل‌خانه / مهربان‌تر / کوچک‌تر

۱۱۲ آوا و صدا - خط - اشاره: آوا و صدا در گفتار ظاهر می‌شود و با گوش دادن فهمیده می‌شود.

خط در نوشتار آشکار می‌شود و به کمک چشم با آن آشنا می‌شویم. گاهی هم به‌جای گفتن و نوشتن از اشاره استفاده می‌کنیم.

۱۱۳ الف) نغمه - باعث - عظمت (ب) بگذارید - سلیقه - چندگانگی

۱۱۴ د: هر دو به معنی یک راه است.

۱۱۵ آمدن - گرفتن

۱۱۶ آمد - خفته

۱۱۷ باد - خواب

۱۱۸ ب با بقیه متفاوت است.

بررسی سایر واژه‌ها: سپاس: دو هجا / پیشیمان: سه هجا / مخلوط: دو هجا

۱۱۹ الف) صحرا (ب) سراسیمه (ج) قصه

۱۲۰

الف) کمند: ریسمان

ج) ترکش: تیردان

ه) رکاب‌دار: پیاده‌ای که همراه سوار راه می‌رود

ز) صواب: درست-شایسته

ط) لاف: گفتار بیهوده-گراف

(ب) چیره: غالب، مسلط
(د) مالامال: پر، لبریز
(و) مجال: فرصت
(ح) ملال: بی‌زاری، غم، اندوه
(ی) دماغ: مغز

فازسی پایه ششم دبستان

۱۲۱) محمدبن علی ظهیری سمرقندی

۱۲۲) الف) نهاد: آن که، یکی فعل: اندوخت، نخورد، آموخت، نکرد

(ب) نهاد: تو (محذوف)، عمل، تو (محذوف) فعل: خوانی، نیست، ی (هستی)

(ج) نهاد: علم و خبر، هیزم، دفتر فعل: است

۱۲۳) الف) شخصیت: شاخص، شخص (ب) معلم: علم، عالم

(ج) تفکر: فکر، متفکرانه (د) خالق: خلق، مخلوق

۱۲۴) تو: مادر

۱۲۵) الف) وفای (ب) برون نمی‌رود

۱۲۶) الف) برخواست: برخاست / آلی: عالی

(ب) مواضب: مواظب / مقرر: مقرر

۱۲۷) الف) سرا: خانه (ب) به طمع: به حرص و زیاده‌خواهی

۱۲۸) تفکر، ایمان، عمل، اخلاق، علم

۱۲۹) الف) درنگ: صبر، مکث، تأمل (ب) پیشه: شغل، کار، حرفه

۱۳۰) به به! چه باد بهاری موزونی! (عاطفی)

امروز هوای بهاری موزونی را خواهیم داشت. (خبری)

۱۳۱) الف) بهر (ب) تجلی

۱۳۲)

الف) به نام آن خدایی که به روح و جان انسان قدرت تفکر داد و چراغ دل او را با نور جان و روح روشن کرد.

ب) از احسان بخشش خدا هر دو دنیا (دنیا و آخرت) روشن شد. از بخشش و عطای خداوند خاک بی‌ارزش آدم به گلزار و گلستان تبدیل شد. (شادمانه خلقت آدم)

پ) همه‌ی جهان را پرتوی از نور خداوند بدان که نشانه‌های وجود خداوند در آن آشکار است اما خودش پنهان است و دیده نمی‌شود.

ت) عقل و خرد انسان تاب و تحمل دیدن خداوند را ندارد. ای انسان، برو برای دیدن خدا راه‌های دیگری را جست‌وجو کن و چشم حقیقت بین را به دست بیاور.

ث) دربارهی خداوند هر چه که گفته‌اند، چه کم چه زیاد، فقط به اندازه‌ی درک و فهم خود گفته‌اند.

۱۳۳)

الف) برای انسان حقیقت‌جو که در جست‌وجوی خداست همه‌ی عالم کتاب و نشانه‌ای از وجود خداوند بلندمرتبه است.

ب) باد بهاری از طرف سبزه‌زار وزید و دوباره صدای هر پرنده‌ی نالان و بیچاره‌ای به آسمان رسید.

پ) ای انسان برخیز و قدر این فرصت مناسب را بدان. قدر صدای آهنگین پرنده و بوی خوش لاله‌زار را بدان.

ت) در این دنیا همه‌ی گل‌ها و گیاهان خدا را یاد می‌کنند و او را تسبیح می‌گویند دو پرنده (بلبل و قمری) چه می‌خوانند؟ آن‌ها در واقع با نغمه‌سرایی ذکر خدا را می‌گویند.

ث) در نزد انسان هوشیار و خدانشناس حتی برگ سبز درختان نیز می‌تواند راه و نشانه‌ای برای شناخت علم و دانش و قدرت آفریدگار باشد.

۱۳۴)

الف) درست (ص)

ب) نادرست (غ)

پ) نادرست (غ)

ت) درست (ص)

۱۳۵)

الف) صحیح

ب) غلط. از هفت خان گذشتن کنایه از گذشتن از مراحل سخت و دشوار است.

پ) غلط. در خان ششم، رستم با ارژنگ‌دیو جنگید.

ت) صحیح

۱۳۶)

الف) ما که کودکان این دبستان هستیم / همگی متعلق به خاک پاک و وطنمان ایران هستیم.

ب) ما همه با هم برادر و دوست وطن هستیم و با وطن‌مان مهربانیم همان‌طور که جسم با جان مهربان است.

پ) ما ایرانیان شریف‌ترین و نجیب‌ترین مردم در بین ملت‌ها و از نسل ایرانیان باستان و کهن هستیم.

ت) وطن ما مثل مادر ما است و همان‌طور که از مادر مراقبت می‌کنیم مراقب و نگهدارنده‌ی وطن‌مان هستیم.

ث) خدا را شکر می‌کنیم که از همان زمان کودکی / درس میهن‌دوستی و عشق به وطن را خوانده‌ایم.

ج) از آن‌جایی که دوست داشتن وطن نشانه‌ی ایمان است، پس ما حتماً و مطمئناً اهل ایمان هستیم؛ چون وطنمان را دوست داریم.

چ اگر دشمنی برای وطن‌مان پیدا شود، ما در راه وطن جان و دل خود را مجانی فدا می‌کنیم.

۱۳۷

الف صحیح

ب صحیح

پ غلط در حاشیه‌ی شهر آبادان زندگی می‌کرد.

۱۳۸

الف نادرست

ب درست

۱۳۹

الف توانگر \neq درویش نشستن \neq ایستادن

ب «به» اول مخفف بهتر «به» دوم حرف اضافه

پ در جمله‌ی «به که کمر زرین بستن» ← بهتر است که

ت توانگر: ثروتمند، پولدار، مشقت: رنج و سختی

ث اگر حاصل دسترنج و زور بازوی خود را بخوری و بعد استراحت کنی، بهتر از آن است که کمربندی طلائی با ارزش ببندی و به خدمت شخص دیگری بایستی.

ج حکایت آمده به این مسئله اشاره دارد که بهتر است از حاصل دسترنج خود استفاده کنیم و زیر بار منت دیگران نرویم.

۱۴۰

الف آوخ که هیزم شدم و آتشگر گیتی اندام مرا چنین ز آتش ادبار سوخت.

شعله برو خندید که از دست که نالی؟ ناچیزی تو بدین گونه تو را خوار کرد.

ب آوخ که هیزم شدم و آتشگر گیتی اندام مرا چنین ز آتش ادبار سوخت.

پ شعله برو خندید که ز دست که نالی؟ و ناچیزی تو بدین گونه تو را خوار کرد.

ت من محذوف (سپیدار) نهاد جمله‌ی اول و آتشگر گیتی، نهاد جمله‌ی دوم است.

شعله، نهاد جمله‌ی اول - تو محذوف (سپیدار)، نهاد جمله‌ی دوم - ناچیزی تو، نهاد جمله‌ی سوم است.

ث آتش‌افروز - آخ و افسوس - بدبختی و نگون‌بختی

ج ادبار - خوار

چ قطعه - چون فقط مصراع‌های زوج هم قافیه هستند.

۱۴۱

الف «که» اول ← حرف ربط، «که» دوم ← ضمیر پرسشی: چه کسی

ب خار ← خوار

پ تشخیص و مناظره چون سپیدار و شعله در حال گفتگو هستند؛ در آتشگر گیتی و آتش ادبار گیتی به آتشگر و ادبار به آتش تشبیه شده است.

ت مناظره با توجه به گفتگوی میان شعله و سپیدار

ث مفعول: اندام من، متمم: دست، او

ج کنایه - سخن گفتن شعله و سپیدار شخصیت‌بخشی است و آتشگر گیتی و آتش ادبار تشبیه هستند.

۱۴۲

الف ۶ مرد نگاهی به نانوا انداخت و گفت: نان نیست، جان است برادر!

۹ مرد گرسنه با دست نانی را نوازش کرد و گفت: «ای مرد، چقدر می‌گیری که مرا از این نان‌ها سیر کنی؟»

۱ روزی روزگاری مردی خسته و مانده، تشنه و گرسنه به شهری رسید.

۱۲ این شد که گفت: «سگ‌های بده و هرچه که می‌خواهی از این نان‌ها بخور!»

۵ «چه می‌خواهی مرد؟ اینها که می‌بینی نان است، نه چیز دیگر!»

۱۰ نانوا لبخندی زد و گفت: «سگ‌های بده و نان بخر و بخور. نوش جان!»

۳ او با دیدن نان‌های تازه آب دهانش سرازیر شد.

۷ طوری حرف می‌زنی که گویی سال‌هاست نان ندیده‌ای.

۱۱ نانوا به او خیره شد و با خودش گفت: «این مرد هرچه پرخور و گرسنه باشد، بیشتر از چند نان نمی‌تواند، بخورد.»

۸ روزهاست که نان ندیده‌ام؛ ولی نان‌های تو از آن نان‌هاست که خوردن دارد.

۲ از آنجا که خیلی گرسنه بود، جلوی دکان نانوايي ايستاد.

۱۳ مرد با خوشحالي سگه‌اي به نانوا داد و شروع به خوردن کرد.

۴ نانوا که مرد گرسنه را ديد، پرسيد:

ب الف) چرا نانوا تصميم گرفت که به مرد گرسنه نان بيشترى دهد؟

زيرا با خود فکر کرد که مرد هرچه پرخور و گرسنه باشد، بيشتر از چند نان نمى‌تواند بخورد.

ب) نانوا وقتى مرد گرسنه را ديد چه پرسيد؟

چه مى‌خواهى مرد؟ اينها که مى‌بينى نان است نه چيز ديگر.

۱۴۳ پاسخ:

به پايان آمد اين دفتر / حکايت همچنان باقى است

مشک آن است که خود ببويد / نه آنکه عطار بگويد

کيوتر با کيوتر باز با باز / کند هم‌جنس با هم‌جنس پرواز

اين دغل دوستان که مى‌بينى / مگسانند دور شيرينى

تا پول دارى رفيقتم / عاشق بند کيفتم

۱۴۴ اى محمد ما داستان‌هاى پيامبران و خبرهاى آن‌ها را براى تو مى‌خوانيم، چيزهايى که به‌وسيله‌ى آن دل تو را مطمئن و استوار مى‌کنيم و فايده‌هاى زيادى براى تو دارد.

۱۴۵ الف) مار گزيده از ريسمان سياه و سفيد مى‌ترسد.

ب) آش نخورده، دهن سوخته

۱۴۶ گفت‌وگو و بحث و جدلى که بين آن‌ها صورت مى‌گيرد و يا پرسش و پاسخي که عنوان مى‌شود بايد به‌صورت مناظره باشد.

۱۴۷ الف) شغل خوب - شغل پر درآمد

ب) دوست مهربان - دوست دانا

پ) خاطره‌ى شيرين - خاطره‌ى تلخ

ت) برادر دلسوز - برادر بلند

۱۴۸ هميشه بايد شکر گزار خدا بود و به خاطر نعمت‌هاى داده شده و ندادنه شکر کرد که اگر ناشکرى کنيم و قدر نعمت‌هاى خداوندى را ندانيم، همه‌ى اين نعمت‌هاى داده شده را نيز از دست خواهيم داد.

۱۴۹ الف) مثنوى است. زيرا هر بيت آن قافيه‌ى جداگانه دارد. ولى گزينه‌ى ب) غزل است چون بيت اول با مصراع زوج هم‌قافيه است.

۱۵۰ علم به دريا، آفتاب به درخت و ابر تشبيه شده است.

۱۵۱ گروه الف) اشعار، مشاعر، شاعر

گروه ب) لفظ، الفاظ، تلفظ

گروه پ) عصر، اعصار، معاصر

۱۵۲ هرچه بگندد نمکش مى‌زند و اى به روزى که بگندد نمک

موقعى که براى رفع يا پيشگيرى از بروز مشکلى به كسى يا چيزى اميدوار باشيم، ولى متوجه شويم که برخلاف انتظارمان آن شخص يا آن چيز نه تنها نمى‌تواند كمكى بکند، بلکه خود به شدت دچار گرفتارى، مشکل يا فساد شده است و نياز به کمک دارد، اين مثل را به کار مى‌بريم.

۱۵۳ وطن مثل شعر حافظ / اى وطن! تو مانند شعر حافظ زيبا و جاودان هستى.

علم مثل درخت / علم مثل درخت داراى شاخه‌هاى زيادى براى يادگيرى است.

۱۵۴ غذا - دارو - بيمارى - صبر - تحمّل

۱۵۵ من هميشه سعى مى‌کنم با همکلاسى‌هايم رفتار خوبى داشته باشم.

۱۵۶ ۱) يك روز پيرزن از خانه بيرون آمد تا دنبال كارى برود،

۲) ديد هدهد هم از آشيانه بيرون آمده،

۳) روى شاخه‌ى درخت، نشسته است و آواز مى‌خواند.

۴) پيرزن گفت: «مى‌دانى چه خبر است؟»

۵) هدهد گفت: «چندان بى‌خبر هم نيستم.»

۱۵۷ الف. يا رب ← يا (نشانه‌ى ندا)، رب (منادا)

ب. اى شکم خيره ← اى (نشانه‌ى ندا)، شکم خيره (منادا)

۱۵۸ الف. آگاه باشيد، تا بدى نکنيد.

ب. سخنان غيرممکن و بيهوده نگويد.

۱۵۹ همى طلب

۱۶۰ يکى از نکات مهم در تصميم‌گيرى‌ها اين است که از فکر و تجربه‌ى ديگران استفاده کنيم که به اين کار مشورت مى‌گويند. هر چند ما درباره‌ى برخى از موضوعات با دوستانمان هم‌فكرى مى‌کنيم، اما در مورد مسائل زندگى و تصميم‌گيرى‌هاى مهم خودمان بايد با بزرگترها مانند پدر و مادر، معلم و مشاور مدرسه مشورت کنيم.

۱۶۱ از آداب نظم‌خوانى اين است که چنان نکند که مستمع ملول گردد.

۱۶۲ دانش و حکمت (جز دانش و حکمت نبود ميوه‌ى انسان اى ميوه‌فروش هنر اين دکه و بازار)

۱۶۳ علامت نقطه، نشانه‌ی پایان جمله‌ی (خبری و امری) است.

۱۶۴ حکایت‌گویی، نظم‌خوانی

۱۶۵

الف. قصه

ب. هیزم

پ. خوار

۱۶۶ گزینه‌ی «الف» - پار، مخفف واژه‌ی پارسال است.

۱۶۷ مطالب عمده و اصلی متن

۱۶۸ مناظره

۱۶۹ یک‌دل، جهان‌دیده، سازگاری، پیش‌بینی، کندفهم

۱۷۰ گزینه ت) تدبیر و اندیشه هم معنی و مترادف هستند.

۱۷۱ ای دلیل زنده ماندن، «ای» نشانه‌ی ندا و دلیل زنده ماندن منادا است.

۱۷۲ رستم خشمگین (عصبانی) می‌شود.

۱۷۳

الف. مقصودم

ب. باعث

پ. تغییرات

۱۷۴ مترادف: ۱. (کلمه، واژه)، ۲. (بزرگی، عظمت)

متضاد: ۱. (فراز، فرود)، ۲. (شکست، پیروزی)

مفرد و جمع: ۱. (دوست، دوستان)، ۲. (فرزند، فرزندان)

۱۷۵ ساده‌نویسی، کوتاهی جمله‌ها

۱۷۶ خوب فکر کردن، مشورت کردن با افراد عاقل، عجله نکردن و...

۱۷۷ ۱. (ک، ت، ب)، ۲. (ن، ظ، ر)، ۳. (ع، ل، م)

۱۷۸ گزینه‌ی «ب»

۱۷۹ الف. موزون ب. غفلت

۱۸۰ الف. خبری: اندیشه کردن در کار خالق و مخلوق باعث روشنایی دل می‌شود.

ب. پرسشی: اندیشه کردن در چه کاری باعث روشنایی دل می‌شود؟

پ. عاطفی: چه اندیشه‌ی خوبی!

ت. امری: در هر کاری اندیشه کن.

۱۸۱ نعمت - آفریدگار - سپاس‌گزاری - پرستش

۱۸۲

الف و دو برادر یکی خدمت سلطان کردی و دیگری به زور بازو نان خوردی.

ب کمک کردن به هم‌نوع کار پسندیده‌ای است، اما اسب من تاب و توان راه رفتن ندارد.

پ دریا قلی در آن شب سرنوشت‌ساز اگر اندکی کوتاهی می‌کرد، اتفاقات ناگواری می‌افتاد.

۱۸۳

الف درست

ب نادرست

۱۸۴

الف که دیگر شاخه و ریشه‌ای از من باقی نمانده است، به خاطر تیشه‌ی هیزم شکن و آّزه‌ی نجار

ب حتماً آن قصه را شنیده‌اید که یک روز در باغ، سپیدار از دست ظلم و ستم تبر با زاری آه و ناله کرد.

پ تبر آهسته به او گفت: گناه تو همین است که الان که وقت محصول و میوه دادن است، تو هیچ میوه و ثمره‌ای نداری.

ت تا شب صدای تبر می‌آمد و قطع نشد، و سحرگاه هیزم بسیاری در آن باغ جمع شد.

ث وقتی دهقان تنور خود را از آن هیزم روشن کرد، سپیدار گریه کرد و دوباره گفت.

ج افسوس که تبدیل به هیزم شدم و آتش‌افروز دنیا، اندام مرا با آتش بدبختی سوزاند.

چ شعله به او خندید و [گفت] که از دست چه کسی شکایت می‌کنی؟ بی‌ثمره بودن، تو را این‌گونه خوار و پست کرد.

ح آن درخت و شاخه‌ای که رشد کند و بزرگ شود اما میوه‌ای نیاورد، سرانجام چیزی جز سوختنش سزاوار و شایسته نیست.

خ چیزی جز حکمت و دانش و علم میوه و ثمره‌ی انسان نیست، پس ای کسی که ادعای علم و دانش داری، الان فرصت مناسبی برای عرضه و نشان دادن هنرت است. «بفرمایید این دکه و

بازار،

د هیچ حاصلی از حرف‌های بیهوده و بدون عمل، به‌دست نمی‌آید. ای انسان رفتار و اعمال را خوب کن که از گفتار - بدون عمل - سودی حاصل نمی‌شود.

ذ اگر روزگار و ایام زندگی‌ات راحت و با تن‌پروری می‌گذرد، [بدان] در روز قیامت یا در روز برداشت محصول و نتیجه کار تو سخت خواهد بود.

از فایده‌های